

نشسته هم می توان خوابید

در هفته‌ای که گذشت و درست در زمانی که بیش از یک ماه از آغاز جنگ غزه گذشته است، شاهد برگزاری نشست اضطراری و فوری سازمان همکاری اسلامی بودیم. در این نشست که برخی حکام کشورهای عضو کاملاً سر جای خود نشسته بودند، در همان حالت نشسته، چرتی هم زدند. در میان اعضای این سازمان، سرانی از کشورها که ادعای انسان‌دوستی‌شان به خر آسیب فیزیکی وارد می‌کند، یکی به میخ و یکی به نعل‌زنان با جنایات اسرائیل برخورد کردند. در پایان این نشست ضربتی، بیانیهای نیز صادر شد که اسرائیل و کشورهای هوادار این رژیم را وادار کرد به خود بگویند: خیلی تاثیرگذار بود! در اینجا گزارشی از این نشست و بیانیه پایانی آن را مورد توجه قرار می‌دهیم.

عربستان به عنوان میزبان کشورهای سازمان همکاری اسلامی، نه سیخ را سوزاند و نه کباب را. این کشور قدمهایی را در جهت عادی‌سازی روابط با اسرائیل برداشته بود، اما این موضوع تأثیری در اعلام انزجار این کشور از رژیم صهیونیستی نداشت.

جنایات اسرائیل از سوی اعضای این سازمان محکوم شد. برخی حکام معتقد بودند: مگر ما چه چیزمان از سازمان ملل کمتر است که نتوانیم اقدامی را محکوم کنیم. اصلاً ما شدیداً محکوم می‌کنیم. هرچند برخی از سران این کشورها همین را نیز با اکراه محکوم کردند. شاید بر این باورند که اگر قضیه خیلی بحرانی بود، سازمان ملل به محکوم کردن بسنده نمی‌کرد و برای مردم غزه ابراز نگرانی می‌کرد که در آن صورت آنها هم می‌گفتند: آخ.



علی زارع

یکی از موارد مورد تأکید در این بیانیه، تسریع در ارسال کمک به مردم غزه عنوان شده است. از آنجا که دو صد گفته چون نیم کردار نیست، پس در جهت تسریع کمک‌رسانی به مردم غزه، بسته‌های کمک‌های انسانی دوستانه ایران، از طرف دولت مصر رد شده و اجازه ورود به غزه را پیدا نکردند. البته نقش اجازه‌دهندگان مقامات رژیم صهیونیستی در این مقوله نیز قابل بررسی است.

از نکات بیان شده در بیانیه پایانی نشست، تأکید بر رفتار شنیع و جنایتکارانه رژیم صهیونیستی در حمله به بیمارستان‌ها و کشتن زنان و کودکان و افراد غیر نظامی است. بر همان واضح و میرهن است که شاید اشتباهی در این قسمت رخ داده باشد! چرا که دولتی که از اول تأسیس آن تاکنون، رئیس و نخست‌وزیر آن جایزه نوبل گرفته‌اند، مگر می‌تواند جنایتکار و کودک‌کش باشد. بالاخره پای نوبل در میان است و بعید است در زمینه صلح تا به حال کسی روی دست اسرائیل بلند شده باشد.



از آنجا که شرایط سخت، تصمیم شجاعانه می‌خواهد، پس در این نشست مقرر شد فوراً تحقیقاتی درباره جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت توسط رژیم صهیونیستی در سراسر اراضی اشغالی از جمله بیت‌المقدس شرقی آغاز شود. این تصمیم در راستای درخواست حماس از این نشست بود که از کشورهای اسلامی خواسته بود تصمیمی تاریخی و سرنوشته‌ساز بگیرند.

در بیانیه پایانی مقرر شد از ارسال سلاح و مهمات به اسرائیل جلوگیری

چالش مصراع سگوم

با شدت بی‌نظیر کردند ادب صهیون کثیف را امیران عرب آنگونه که از شدت این تهدیدات!!! برچیده شود بساط صهیون تا شب!!!

آنگونه که از شدت این تهدیدات معلوم شده، همتان کرده وفات این حق شمامت استراحت بکنید پیداست که مغزهایان بد زده قاطا!

این حق شمامت استراحت بکنید اندازه میل‌تان جنایت بکنید تصمیم امیران عرب یعنی این: راحت به تمام ما جسارت بکنید

تصمیم امیران عرب یعنی این: صهیون نشوی ز موضع ما نمکین یک موی رئیسی به تن اینها نیست پرشوکت و قرص و مقتدر، سرسنگین

یک موی رئیسی به تن اینها نیست یک داد و تشر به نطق‌شان پیدا نیست آن نکته باریک‌تر از مو اینجاست غیرت به عرب‌بودن و این حرفا نیست

آن نکته باریک‌تر از مو اینجاست پیدا نشود در شکمت روده راست نام تو «رژیم جعلی اسرائیل» پس زور نزن مسجداً لاقصی واس ماست

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نشر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: عباس تافته
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفهدار: علی شهبازی

راه‌های ارتباطی:
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

شواف فرهنگی

از آن جایی که چند سالی است قیمت اکثر کتاب‌ها سر به فلک کشیده است، دیگر می‌شود کتاب را جزو کالاهای لوکس حساب کرد و با آن پز داد. شواف‌های فرهنگی این‌روزها حسابی خریدار دارد. اگر شما هم جزو افرادی هستید که با کتاب میانه خوبی ندارید اما علاقه دارید خود را فردی کتابخوان و فرهیخته و با کمالات جلوه دهید و شواف کنید، راهکارهای زیر راسته کار شمامت و از اجرائی آنها غافل نشوید!

۱- فریب‌خوانی: اگر دست‌تان به دهان‌تان می‌رسد، خرید یک کتابخوان الکترونیک گزینه خوبی است. هم لوکس است و دست هرکسی نیست، هم می‌توانید در جمع‌های خانوادگی در حالی که تلفن همراه خود را روی کتابخوان قرار دادید و در حال گشت‌وگذار در شبکه‌های اجتماعی هستید، تظاهر به مطالعه کتاب کنید و فامیل‌ها را فریب دهید تا با خود بگویند: عجب فرهیخته است!

۲- مفت‌خوانی: هر چند وقت یکبار سری به کتابخانه‌ها و کافه‌کتاب‌ها بزنید و چند عکس اختصاصی با کتاب بگیرید و بدون صرف هیچ هزینه‌ای بیرون بیایید و با جمله «عکس بیهوی با تشکر از عکاس» استوری کنید. البته حواس‌تان باشد باید طوری وانمود کنید که غرق در مطالعه هستید و اصلاً حواس‌تان به عکاس نبوده تا عکس طبیعی جلوه کند و زیادی تابلو نشوید.

۳- خوراکی‌خوانی: هرچقدر هم اهل مطالعه نباشید، قطعاً برای یافتن دستورالعمل طبخ خوراکی محبوب‌تان سری به کتاب‌های مستطاب آشپزی خواهید زد. در این کتاب‌ها تنها فقط با قواعد آشپزی روبه‌رو نیستید بلکه با آداب و رسوم و فرهنگ غذایی اقوام مختلف نیز آشنا خواهید شد. بشقاب غذا را در کنار کتاب قرار داده و عکاسی کنید و کمی از تاریخچه غذا برای مخاطبان‌تان در شبکه اجتماعی بنویسید و میزبان تباهی‌تان را با آنها به اشتراک بگذارید.

۴- فری‌خوانی (free): در طول سال به مناسبت‌های مختلف، مخصوصاً روز کتاب و کتابخوانی، عضویت در کتابخانه‌ها رایگان است. این‌روزها را از دست ندهید. علاوه بر اینکه مفت‌خوانی هم محسوب می‌شود، نوع دیگری از شواف است و با استوری کردن کارت عضویت، ۱۰ امتیاز مثبت دیگر هم به فریختگی فیک‌تان اضافه می‌شود. موفق باشید!

خبره معضل!

آن یار که هر دفعه ز کارش، شوری بود می‌گفت خودش چون پری از عیب بری بود

از گریه ابر و تبر و قیمه و برجام انگار که علامه و صاحب نظری بود

مبارزین واگعی یا کیک؟



در یک روز، مرگ ۳ زن در تهران هنگام انجام جراحی لاغری زیبایی

نام جان بود بی‌بیمار یکبارگی

ماجرای فندک‌های نیم‌دلاری که این روزها مجاهدان فلسطینی با آن تانک‌های یک میلیون دلاری را آتش می‌زنند

دلش از غصه صد چاک است فندک از عمر رفته غمناک است فندک

جدیداً توبه کرده از مخدر و هرچه حول تریاک است فندک

گسسته از نخ سیگار و از دود ششش بی‌خس‌خس و پاک است فندک

به قصد بخشش و جبران مافات پی‌تاکتیک کولاک است فندک

پس از بیداری توفان الاقصی چو موجی سخت و بی‌باک است فندک

از آن روزی که رفته غزه در جنگ سلاحی بس خطرناک است فندک

رموز قدرتت در جنگ با تانک چو زائر فیلم هیچکاک است فندک

مدرن است و قوی و تانک‌سوز است چو موشک فرز و چالاک است فندک

برگشته کنون بعد خداحافظ کوتاه خوشحالی ما هم عمل بی‌ثمری بود!

آمد بشود خبره، فراموش نموده او خبره هر مسأله مستمری بود

خبره فاسدعلی

در پست‌سپردن به کسی فرق نمی‌کرد از شهر هرات آمده یا که طبری بود!

ما دلخوش هر وعده شدیم ای دل‌غافل اینها همگی فوت و فن کوزه‌گری بود

ارباب رجوعیم و ندیدیم جمالش دانی که چرا! چون صنم ما سفری بود

از آتش اخبار بدش شد سرمان داغ جاناته‌ترین حال همه بی‌خبری بود

بخشش از کیسه خلیفه هفته | **گردن‌های پارتی هفته** | **برنگون برنگون هفته** | **کاری از بسیج تگزاس هفته** | **بی‌مصرف نیامشید هفته** | **گنده‌گویی هفته**

دزد صندوق امانات بانک ملی که گفته ۷۰۰ میلیون را بین فقرا تقسیم کرد، مشکل من با ۳۰ میلیارد حل می‌شد. ۲۰ میلیارد را به پسر خاله‌ام دادم و مابقی را مخفی کردم که بین فقرا تقسیم کنم. بعد از پخش این خبر کیسه خلیفه از مقام خود انصراف داد و این سارق محترم خواست جانشین وی شود.

کیوان عباسی موسس شبکه متونو گفت: به علت نبود بودجه مجبور به تعطیلی این شبکه شدیم. و پس از پاک کردن اشک و گرفتن بینی خود گفت: لعنت به جنگ، لعنت به اونی که گفت برای عملیات تبلیغاتی دیگر پولی خرج نمی‌کنیم.

پایگاه‌های نظامی آمریکایی که هر لحظه توسط نیروهای مقاومت مورد حمله قرار می‌گیرد. ابرقدرت دنیای کی بودی عموجون!

بیش از ۱۰ هزار نفر از مردم ایالت تگزاس آمریکا برای حمایت از مردم فلسطین و محکوم کردن جنایات صهیونیست‌ها به خیابان آمدند. به گفته شاهدان عینی قبل از شروع مراسم ۱۰ هزار ساندیس بین آنان توزیع شد.

مصر که به دلیل مخالفت رژیم صهیونیستی با ورود کمک‌های ایران به غزه از طریق گذرگاه رفح، از پذیرش این کمک‌ها عذرخواهی کرده است. و بعد از عذرخواهی افزود: ما از مردم غزه حمایت می‌کنیم ولی به حرف‌های اسرائیل هم باید گوش بدهیم.

وزیر خارجه رژیم صهیونیستی که گفته فقط ۲ هفته فرصت داریم کار را در غزه بکسر کنیم. نیروهای حماس پس از شنیدن این سخنان گفتند: باش تا خبرتون کنیم.

شیرجه قورباغه‌ای در استخر شادی

درویشی به در خانه‌ای رسید. پاره‌نانی بخواست. پسرکی در خانه بود. گفتش: «تان نیست، لیک کنون مرا میل پفک است. با من به بقالی ای تا تی‌تایی نیز بهر تو انبیاغ کنم.» درویش با پسرک روان شد. به بقالی ناریسیده مردی را بر بساطی یافتند که هنگامه گرفته بود و دعوی آن می‌کرد که وی را در بساط کتاب‌هایی است که کاتب فاضل هر یک اسرع‌الطریق به‌سامانی حال، شیرین‌ترین مقال را در آن آموخته، آن‌سان که هیچ پیر طریقی همانندش را به جنبنده‌های نگفته، پسرک را این سخن خوش آمد. پس نزدیک رفت و جلد کتاب‌ها را به تماشای استناد، لفظاتی بگذشت و درویش که از گرسنگی دکمه جلیقه به دندان می‌ساید پسرک را آواز داد: «چو از این بیشتر مرا معطل داری، تا سه تی‌تاپ از تو نستام، برافروخت و در وی نگریست. بدید که پسر در جلد کتاب‌ها نگرد و چنان فرت‌وفرت انگشت حیرت به دندان گزد که جمله انگشتان وی از سرخی و تورم بر صورت سوسیس درآمده‌اند. چو درویش را یاد سوسیس از خاطر بگذشت، گرسنگی‌اش افزون گشت و یکی ضربت آبدار بر پس گردن پسرک بنواخت. پسرک برافروخت و در حال عذر بخواست و میل پفک و وعده تی‌تاپ را یاد پسرک آورد. پسرک دو کتاب را که روی جلد یکی «شنا در استخر پول و پفک در سه‌ونیم روز» و روی غروب «قورباغه شادی را ببلع» نوشته بود به درویش نشان داد و گفت: «شرمند عموجان! خواهم که بولم را به‌همراه نعلین به آن آقاهه دهم و این ۲ کتاب بستام. کنون برو و چهار روز دیگر بازای تا از پول‌های استخرم تو را بی‌نیاز سازم.» درویش به‌جهت کظم غیظ دکمه جلیقه فرو برد و رفت.

ایامی بگذشت و درویش را مسیر بر خانه پسرک افتاد. خواست به تلافی آن خلف وعده که پسرک کرده بود، نفی بر در خانه اندازد که در باز شد و پسرک به بیرون شوت بگشت. از داخل خانه نیز صدایی به فریاد بلند شد که «چون‌م‌مرگ‌شده! یک هفته است که گاه غروب آفتاب به ناوایی نروی و در آینه زل زنی و به کائنات استخر پول و پفک سفارش دهی! برو و برای شام نان بخور بی‌بیمار شده!» درویش پسرک را بگفت: «پول‌های استخرت دوتا کتجدی برشته نیز بهر من بخور تا آنچه بر بساط کتاب‌ها دیده بودم را نگذاشته‌ام کف دست ننه و بایات.»



فاطمه بحرکاتلی

سید مهدی موسوی

زهرا کاظم‌زاده

فریبا زینسی

سجاد گل‌پور محسنی

مرحبه فاسدعلی

سیدما شرفی